

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۴، زمستان ۱۳۹۵

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیر رسمی از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: نسیم شهر تهران

محمد قاسمی سیانی: عضو هیات علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی،

جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

مهدی حقی^۱: پژوهشگر گروه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی،

تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

صص ۲۴۵-۲۵۶

دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱

چکیده

طی دهه‌های اخیر مبحث عدالت فضایی، از منظر تبیین فقر شهری و گستره سکونتگاه‌های غیر رسمی در میان جغرافیدانان و برنامه‌ریزان شهری اهمیت ویژه‌ای یافته است. بی‌عدالتی در نحوه توزیع اعتبارات و تسهیلات تأثیر جبران ناپذیری بر ساختار و ماهیت شهرها می‌گذارد. این امر بر نابرابری و عدم تعادل فضایی شهرها و گستره فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی دامن می‌زند. یکی از دلایل بروز مسائل ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی کم توجهی یا بی‌توجهی به آثار عدالت فضایی در کشورها است. مناطق فقیر شهری در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و کالبدی دارای شاخص‌هایی هستند که این مناطق را نسبت با سایر مناطق شهری دچار رکود و انزوا می‌سازد و به نوعی به شکل سکونتگاه‌های غیر رسمی نمود عینی می‌یابد. این مقاله به تبیین فقر شهری و سکونتگاه‌های غیر رسمی نسیم شهر از دیدگاه عدالت فضایی پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی، و از نوع تحقیق بنیادی - کاربردی است. برای تبیین فقر شهری از روش *AHP* و تحلیل اطلاعات جغرافیایی به صورت نرم‌افزاری بهره‌گیری شده، که با استفاده از نرم افزار *GIS* توزیع و پراکندگی فقر از منظر عدالت فضایی در نسیم شهر تحلیل گردید. اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد محدوده‌های حصارک پایین، وجه آباد، محدوده جنوبی احمد آباد و کلمه به لحاظ شاخص‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از جمله محدوده‌های آسیب پذیر نسیم شهر هستند. این محله‌ها دارای بیشتر سکونتگاه غیررسمی و بالاترین میزان فقر شهری است. و محله اسماعیل‌آباد و هسته مرکزی شهر از نظر شاخص‌های مورد بررسی در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: عدالت فضایی، سازمان فضایی، نسیم شهر، فقر شهری، سکونتگاه غیر رسمی، نسیم شهر.

^۱. نویسنده مسئول: mahdihaghi90@gmail.com ۰۹۱۳۴۷۱۲۵۹۵

بیان مسأله:

توجه به مقوله عدالت فضایی در کشورهای مختلف، به ویژه جهان سوم، با توجه به وجود نابرابری‌های فضایی طی سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (Williams, 1999: 168). عدالت فضایی شهر عمدتاً بر وجه توزیعی عدالت با توجه به ناهمسانی‌های ناحیه‌ای، حفظ تعادل مناسبات انسان و محیط، بر خورداری همسان شهروندان از فرصت‌ها و کاهش آثار زیانبار ناشی از عدم توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در گستره‌ی سرزمین ملی با محوریت مقوله تنوع فضایی تأکید دارد (Athari, 2008: 26). عدالت فضایی در برگیرنده مفاهیمی چون توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض بین ساکنان یک شهر یا منطقه شهری می‌باشد (Shakoei, 2004: 6).

در حال حاضر توزیع نامناسب و نابرابر خدمات شهرها به دلیل جاماندن توسعه‌ی شهر از رشد آن، یکی از چالش‌های مدیریت شهری در پاسخگویی به شهروندان است. انتظار شهروندان از مدیریت شهری، برابری در دستیابی به فرصت‌ها، توزیع مناسب عملکردها و خدمات و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری میان ساکنان یک شهر است. با بررسی میزان نابرابری‌ها در توزیع امکانات اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی و شناسایی الگوی فضایی بی‌عدالتی در سطح شهر می‌توان پی برد که کدام یک از مناطق و محلات در وضعیت نامناسب‌تری هستند و بی‌عدالتی‌ها بیشتر در کدام بخش و محله‌ی شهری تمرکز یافته است، تا از این راه مدیریت شهری با عملکرد آگاهانه در توزیع فضایی امکانات کالبدی و اجتماعی، نابرابری‌های فضایی را کاهش دهد. کیفیت زندگی را ارتقاء، و توسعه پایدار شهری را تضمین کند. این مقاله نیز با تأکید بر مفهوم عدالت فضایی بر آن است تا با شناسایی کمبودها و نابرابری‌ها، بین محله‌های شهر، مدیریت شهری را در ارائه‌ی خدمات عمومی برای کاهش بی‌عدالتی‌ها کمک کند. نسیم شهر دارای یک محدوده مرکزی و چند محدوده منفصل به نام‌های خیرآباد، اورین و همدانک است. جمعیت این مجموعه در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۴ هزار نفر بود که در سال‌های اخیر و با توجه به رونق ساخت و ساز و مهاجرت به این شهر، جمعیت آن در سال ۹۰ نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر رسیده است. این در حالی است که بررسی‌های اولیه نشان داد این شهر با ۲ مشکل عمده روبروست:

نخست آنکه هم‌پای رشد انفجاری جمعیت (بخصوص در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) امکانات اجتماعی - فرهنگی و خدماتی نتوانسته سرانه مطلوب زندگی شهری را فراهم آورد. دوم آنکه، توزیع امکانات و خدمات از پراکنش متناسب با الگوی پراکنش جمعیت تبعیت نکرده است. این تحقیق ضمن تفکیک و سطح‌بندی نواحی نسیم شهر، در ابعاد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - کالبدی در پی آن است تا با بررسی شاخص‌های عمومی تعیین گستره‌های فقر شهری، محلات نسیم شهر را بر اساس شاخص‌ها رتبه بندی نماید و محلات فقیر و سکونتگاه‌های غیر رسمی را شناسایی نموده و ضرایب هر یک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را در میزان فقر محلات شهری نمایان سازد.

مبانی نظری تحقیق:

برای اولین بار در تاریخ بشر، در سال ۲۰۰۲ سهم جمعیت شهرنشین دنیا از مرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان فراتر رفت (Moradnejad, 2009: 67). تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۲ میلیارد نفر نیز به این رقم اضافه خواهد شود (Pietro, 2005: 11) در این رابطه مدیریت و خدمات رسانی اصولی به همه شهروندان، ضمن پیاده‌سازی عینی مفهوم عدالت فضایی، موجب بهره‌مندی مناسب شهروندان از خدمات و کاهش مسائل و مشکلات شهری خواهد شد.

عدالت از "مفاهیم اصلی توسعه پایدار شهری (Khakpour, 2009: 183). همیشه از مهم‌ترین دغدغه‌ها، والاترین آرمان‌های انسانی و از مباحث مهم علوم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که البته تعریف واحدی از آن وجود ندارد. کوین جی و همکاران، تحت تأثیر مفهوم عدالت فضایی، بر این باور می‌باشند که یک جامعه زمانی پایدار خواهد بود که نیازهای اساسی تمام شهروندان آن برآورده شود. تمرکز مرکز خدمات‌رسانی در یک مکان خاص، ضمن ایجاد مناطق دو قطبی و بالا و پائین، هجوم جمعیت مصرف کننده به این مناطق را در پی دارد، به گونه‌ای که شهرها با محیط‌های متراکم، نامطلوب و ناسازگار با توسعه پایدار مواجه خواهند شد (Khakpour, 2009: 185). متأسفانه تا به حال توزیع خدمات شهری بیشتر در

قالب طرح‌های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده و به قابلیت دسترسی ساکنین از خدمات شهری کمتر اهمیت داده شده است، در حالی که یکی از عمده‌ترین عناصر ارتقاءدهنده کیفیت محیط شهری، توسعه شاخص‌های دسترسی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می‌شود.

بر اساس نگرش عدالت فضایی، عدالت بعد فضایی دارد و بنابراین می‌توان از یک نگرش فضایی به منظور تشخیص بی‌عدالتی در فضای شهری استفاده کرد (Young, 2001: 1). از منظر تاریخی، دهه‌ی ۱۹۷۰، آغاز پدیداری ادبیات عدالت در شهر و تلاش برای تجدید نظر در ارتباط بین فضا، توسعه، قدرت و برنامه‌ریزی بوده است (Yiftachel, 2000: 121). در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، هاروی پیشگام تفکر عدالت سرزمینی، تحقیق بر روی ظهور عدالت اجتماعی در فضا را پیگیری کرد (Prange, 2009: 21). عدالت فضایی مستقل از دیگر فرم‌های عدالت (اجتماعی، اقتصادی و محیطی) نیست و از آنجا که فضا عنصر مشترک و پیونده‌دهنده است، عدالت فضایی می‌تواند بعنوان مرکز انواع جنبش‌های عدالت عمل کند. رابرتس (۲۰۰۳) این رابطه را به صورت مجموعه‌ای سه وجهی که توسعه پایدار بر آن تاکید کرده نشان می‌دهد. در این مجموعه، سه جنبه‌ی اقتصادی، اجتماعی و محیطی توسعه پایدار با مرکزیت فضا به هم مرتبط می‌شوند.

تراول چنین بیان می‌کند که عدالت فضایی، عدالت اجتماعی است و عدالت محیطی عنصر جدانشدنی از عدالت اجتماعی است (Trowel, 2007: 27). از دیدگاه سوچا، بی‌عدالتی نتیجه‌ی سازمان‌دهی سیاسی فضاست و بطور ذاتی از طریق نابرابری توزیعی که آن هم ناشی از تصمیم‌گیری‌های تبعیض آمیز افراد، واحدهای اقتصادی و سازمان‌هاست، به وجود می‌آید (Soja, 2010: 9). در معنای گسترده‌تر، عدالت و بی‌عدالتی فضایی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی (بی) عدالتی تأکید دارد و بعنوان نقطه‌ی شروع، شامل توزیع منصفانه و برابر منابع و فرصت‌ها در فضای اجتماعی است (Dadashpoor, 2014: 100). (جدول شماره ۱).

جدول ۱- مکاتب و نگرش‌های متفاوت به عدالت فضایی

نظریه پرداز	مکتب فکری	نگرش به عدالت فضایی	عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری
دیوید هاروی	جغرافی‌دان رادیکال	توزیع عادلانه از طریق عادلانه	فضا دارای ماهیتی اجتماعی و اقتصادی- سیاسی است و شهر حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمد‌هاست.
جان رالز	لیبرال معتقد به فلسفه‌ی پوزیتیویسم منطقی	«رفتار نابرابر با نابرابرها» معتقد به شهرسازی تعادل‌گرا «چگونه در شهر باید عمل کرد»	شهر به مثابه‌ی مکان توزیع ثروت، می‌بایست شرایطی را فراهم آورد که اولاً با رعایت مالکیت خصوصی، حقوق پایدار تک تک افراد به بهانه توسعه شهری پامال نشود.
فانیشتاین	اقتصاد سیاسی	شهر عادل	عدالت فضایی برحسب اینکه چه کسی، چه چیزی را چگونه و چه زمانی به دست می‌آورد، تأکید دارد.
ساندر کوک	پست مدرنیسم	جهانی شدن شهرها	برنامه‌ریزی جامع خردگرا باعث تعمیق انواع نابرابری‌هاست و شهرها و مناطق برای رسیدن به عدالت فضایی باید پرورش دهنده‌ی دموکراتیک باشند
ماریون یونگ	پست مدرنیسم	طراح نظریه عدالت پست مدرنیسم	عدالت اجتماعی نه تنها باید الگوهای توزیعی، بلکه به فرایندها و ارتباطاتی که این الگوها را تولید و بازتولید می‌کنند توجه کند.
سوچا	جغرافیای سیاسی پست مدرن	جاری شدن عدالت اجتماعی در فضا	فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری خواهد شد درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت اجتماعی ضروری است.
لوسی	محافظه کار سنتی	برقراری عدالت افقی، برابری نیازها و برابری قابلیت‌ها	توزیع بر اساس قوانین منصفانه و مبنی بر رقابت‌پذیر کردن افراد انجام شود و از هرگونه تعصب، جانبداری و استثنا قائل شدن به دور باشد.

مآخذ: (Dadashpoor, 2014: 108)

دیوید هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر بیان می‌دارد که نقش برنامه‌ریزان شهری در ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها بسیار تعیین کننده است، زیرا تصمیمات آنها در تخصیص و توزیع درآمد و خدمات در شهرها تاثیر اساسی دارد به اعتقاد او برنامه‌ریزی شهری با عدالت توزیعی رابطه‌ی تنگاتنگی دارد و توزیع و بازتوزیع فعالیت‌ها در شهر، فرم فضایی شهرها را تغییر می‌دهد (Harvey, 1973: 72). عدالت فضایی ارتباط دهنده‌ی عدالت اجتماعی و فضاست و در نتیجه هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمایان می‌شوند. از این رو تجزیه و تحلیل بر هم کنش بین فضا اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماع و نحوه تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی و یا حل آنها ضروری است (dufaux, 2008: 2).

از محورهای برجسته در عدالت فضایی، چگونگی وضعیت زندگی (محیط اجتماعی و فیزیکی) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجاری) است (Martnez, 2009: 390). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است؛ مثلاً دسترسی به مدرسه، مراکز بهداشتی یا رخدادهای فرهنگی، برخی دیگر عدالت فضایی را برابری در نحوه‌ها، مثل نحوه‌ی انتخاب کار یا انتخاب نهادهای آموزشی در دسترس تعریف کرده‌اند، برخی تحقیقات دیگر نیز عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات بر اساس نیازها، سلاقی، اولویت‌های ساکنان و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده‌اند (Liao, 2009: 138). از نظرگاه جغرافیایی، عدالت اجتماعی و فضایی در شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آنهاست؛ زیرا نبود توزیع عادلانه آنها به بحران اجتماعی و مشکلات پیچیده‌ی فضایی خواهد انجامید. از این جنبه ایجاد سکونتگاه‌های غیر رسمی در حاشیه شهرها و گسترش فقر در نقاط خاصی از شهر (درون یا پیرامون) ناشی از عدم تحقق عدالت فضایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در شهرها است.

کیومرث حبیبی و همکاران، (۱۳۹۰)؛ با استفاده از شاخص پراکندگی ویلیامسون و موریس وضعیت توزیع خدمات اجتماعی- اقتصادی، و کالبدی را در سطح نواحی ۲۱ گانه شهر سنندج بررسی و نسبت به سطح بندی میزان برخورداری شهروندان از امکانات و خدمات شهری اقدام نموده‌اند، نتایج بیانگر آنست که از نظر توزیع شاخص‌ها، فقط شاخص‌های تراکم خانوار، ضریب فعالیت، درصد باسوادی در وضعیت متعادل و سرانه مسکونی در وضعیت نسبتاً متعادل قرار دارند. همچنین ساکنان با سطح اقتصادی- اجتماعی بالاتر، از کاربری‌های خدمات شهری بهتری برخوردارند. در شهر سنندج الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی شهری به نفع گروه‌های مرفه‌تر جامعه عمل نموده است و همبستگی مستقیم و معنادار بین سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنان نواحی، با میزان برخورداری از کاربری‌های شهری دیده می‌شود. جوان و عبدالمهدی (۱۳۸۸)، حاشیه‌نشینی را به مثابه یک فرایند محلی، ملی و فراملی بازتاب فضایی عدم تعادل‌های موجود در روند سیاست‌گذاری‌های ملی، مقیاس عملکردی سرمایه و علل و عوامل درون منطقه‌ای و محلی می‌دانند. آنها بیان می‌دارند که علت تداوم رشد شتابان شهرنشینی در نتیجه عدم تعادل‌های فضایی، و سخت‌تر شدن شرایط زندگی در نواحی روستایی حاشیه‌نشینی در مشهد مرزهای سیری ناپذیر خود را به حاشیه شهرهای درجه دوم نظیر نیشابور، سبزوار، بیرجند و بجنورد کشانده و تمام معضلات مذکور در باب حاشیه‌نشینی کلانشهر مشهد در مقیاسی کوچک‌تر در شهرهای دوم باز تابیده است. بنابراین توزیع نامتعادل امکانات و خدمات در مقیاس ناحیه‌ای حاشیه‌نشینی و فقر را در شهرهای بزرگ مشهد رقم زده است. حاتمی و مؤمنی (۱۳۸۹)، قطبی شدن جمعیت در ناحیه یزد و تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی در این شهر را باعث بهم خوردن سلسله مراتب منطقی و منظم در مرتبه و اندازه سکونتگاه‌ها می‌دانند. بر این اساس از مجموع ده شهرستان استان یزد، شهرستان‌های یزد، میبد و تفت توسعه‌یافته می‌باشند و شهرستان‌های اردکان، مهریز، طبس و صدوق دارای توسعه متوسط و بافق، خاتم و ابرکوه توسعه نیافته می‌باشند. بنابراین توزیع امکانات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در شهرهای بزرگ به مسأله توسعه یافتگی منجر شده و سایر مناطق را به سوی فقر و عدم توسعه سوق داده است.

روش تحقیق:

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز به منظور شناخت وضعیت موجود نسیم شهر و همچنین تدوین شاخص‌های تعیین پهنه‌های محروم شهری از طریق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، اسناد فرادست،

مشاهدات میدانی، مصاحبه با مردم و همچنین بررسی ادبیات نظری و نظرات متخصصان انجام گرفته است. همچنین به منظور الویت‌بندی شاخص‌های بررسی پهنه‌های محروم شهری در نسیم شهر از روش دلفی استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از مفهوم تحلیل سلسله مراتبی، نمره‌دهی شاخص‌ها به روش *AHP* انجام گرفته و نتایج نمره‌دهی به هر کدام از لایه‌های اطلاعاتی تهیه شده در *GIS* متصل گردید. نمره‌دهی به لایه‌ها بر اساس نظر متخصصین و مدیران شهری نسیم شهر و با توجه به شرایط زمینه‌ای محدوده مورد مطالعه صورت، از طریق فن دلفی صورت گرفته است. سپس با تلفیق لایه‌های وزن‌دار تهیه شده در هر یک از ابعاد ۳ گانه با یکدیگر، پهنه‌های محروم شهری بصورت مجزا در ابعاد مختلف تهیه گردید. محاسبه وزن هر از زیرمعیارهای با یکدیگر در نرم‌افزار *GIS* و از مجموعه ابزارهای آنالیز فضایی با استفاده از فرمان *IDW* صورت گرفته است. در نهایت با تلفیق لایه‌های وزن دهی شده در مرحله قبل با یکدیگر، نقشه نهایی که نشان دهنده پهنه‌های محروم شهری که واجد هر ۳ بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی باشند حاصل شده است. شاخص‌های اندازه‌گیری فقر متنوع است و با شرایط خاص و منحصر به فرد یک منطقه شهری همبسته است. برای یافتن مکان‌هایی از نسیم شهر که بیشترین میزان فقر شهری در آن وجود دارد، شاخص‌های خاص همین منطقه باید تعریف شود. برای اینکه نتایج حاصل از بررسی‌ها به طور حداکثری به مکان وابسته باشد، از بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی صرف نظر شده است. با بررسی ادبیات مربوط به فقر آشکار گردید که محققین و مجامع مرتبط با موضوع، به واسطه ماهیت چند بعدی فقر، از مناظر مختلفی به آن پرداخته‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- شاخص‌های عمومی تعیین گستره‌های فقر شهری

شاخص	اقتصادی	اجتماعی	کالبدی
درآمد خانوار، نرخ بیکاری، بار تکفل، قیمت و اجاره بهای مسکن	نسبت جمعیت مهاجر، خانوار در واحد مسکونی، بعد خانوار، نسبت جنسی، نسبت سنی، تراکم جمعیتی، سطح سواد	دسترسی و نسبت خدمات، شکل و عرض شبکه معابر، مساحت، زیربنا، کیفیت ابنیه، تعداد طبقات، برخورداری از تاسیسات آب، برق، گاز و تلفن	
سائرتوئیت و میلیون <i>UNDP</i> / این‌خط فقر / دیدگاه رفاهی <i>OECD</i>	سائرتوئیت و میلیون <i>UNDP</i> / این‌خط فقر / دیدگاه رفاهی <i>OECD</i>	سائرتوئیت و میلیون <i>UNDP</i> / این‌خط فقر / دیدگاه رفاهی <i>OECD</i>	سائرتوئیت و میلیون این دیدگاه رفاهی / پیران و حائری

مأخذ: (Bemaniyan, 2010)

در نهایت از ترکیب شاخص‌های فوق با شاخص‌های ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، شاخص‌های زیر برای تعیین گستره‌های فقر شهری و اسکان غیررسمی در نسیم شهر انتخاب شده‌اند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- شاخص‌های منتخب برای تعیین اسکان غیررسمی در نسیم شهر

اقتصادی	اجتماعی	کالبدی
بالا بودن نرخ بیکاری	نرخ بی‌سوادی	پراکنش ساختمان‌های یک طبقه
پایین بودن نرخ اجاره‌نشینی	بالا بودن جوانی جمعیت	کیفیت ابنیه
مالکیت مسکن	مهاجرپذیر بودن	عمر بنا
پایین بودن قیمت مسکن و اجاره بها	بالا بودن بعد خانوار	پراکنش خدمات و امکانات شهری
بالا بودن بار تکفل	بالا بودن آسیب‌های اجتماعی	عرض و شکل معابر
پایین بودن نرخ مالکیت اتومبیل	سابقه سکونت پایین	بالا بودن خانوار در واحد مسکونی
بالا بودن نرخ مالکیت موتورسیکلت		بالا بودن تراکم جمعیتی
درآمد پایین خانوار		ریزدانگی
بازار غیررسمی مستغلات		وجود تاسیسات شهری غیرمجاز
اشتغال کودکان		ساخت و ساز بدون مجوز
		غیربهداشتی بودن

مأخذ: (farmitan, 2015)

محدوده مورد مطالعه:

نسیم‌شهر با نام قدیمی اکبرآباد شهری در مرکز بخش بوستان از شهرستان بهارستان استان تهران است که دارای یک محدوده مرکزی و چند محدوده منفصل به نام های خیرآباد، اورین، همدانک است. در سال‌های گذشته این شهر از توابع شهرستان رباط کریم بود. اما از آبانماه ۱۳۸۹ با تاسیس شهرستان بهارستان جزو توابع این شهرستان و مرکز بخش بوستان شناخته می‌شود. (شکل شماره ۱).



شکل ۱- نقشه تقسیمات داخلی نسیم شهر

تحولات جمعیتی محدوده نسیم شهر نشان می‌دهد که این محدوده تا سال ۱۳۴۵ فاقد جمعیت بوده و اغلب شامل اراضی کشاورزی و یا بایر بوده و فقط اکبر آباد با ۹۱ نفر جمعیت در اسناد سرشماری ۱۳۴۵ دارای سکنه گزارش شده است. در سال ۱۳۵۵ در این محدوده بالغ بر ۲۰۹۲ نفر سکنه گزارش شده است. در طول سی و پنج سال گذشته (۱۳۵۵-۹۰) که نتایج سرشماری‌های عمومی نسیم شهر گزارش شده است، شمار سکنه این شهر نزدیک به ۹۵ برابر شده و از ۲۰۹۲ نفر به ۱۹۸۰۰۰ نفر رسیده است. (جدول ۴).

جدول ۴- روند رشد جمعیت در نسیم شهر از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

جمعیت نسیم شهر در سرشماری‌ها						اسامی
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	آبادی ها
۱۵۷۴۷۴	۱۳۵۴۸۶	۸۵۱۲۴	۱۳۷۵۰	۲۰۲	۹۱	اکبر آباد - نسیم شهر
ادغام در نسیم شهر		۲۵۴۷	۸۰۰	۴۵۴	۰	اسماعیل آباد
		۱۷۹۸	۱۷۵۵	۹۹۱	۰	وجه آباد
		۱۷۰۲	۲۶۴	۲۲۲	۰	احمد آباد جانسپار
		۳۶۸	۱۷۲	۱۳۷	۰	سعید آباد
		۲۹۶	۱۰۸	۸۶	۲	حصارک بالا
۱۹۸۵۴	۳۳۶۵	۷۰	۱۱	۰	همدانک	
۱۲۹۴۲	۳۷۹۵	۸۷۲	۱۲۸	۲۴	اورین	
۱۷۲۶۷	۸۱۴	۵۲۰	۹۸	۳۲	خیر آباد	
۱۹۸۵۳۷	۱۶۸۷۴۰	۱۰۶۵۱۲	۲۱۴۱۰	۲۳۲۹	۱۴۹	جمع نسیم‌شهر
۳/۲	۴/۶	۱۶/۱	۲۲/۲	۲۷/۵		درصد رشد سالیانه

مأخذ: (2015 farmitan).

عمده ترین ویژگی‌های این شهر را می‌توان ریزدانگی بناها (۸۸ درصد بناها کمتر از ۱۰۰ متر مربع مساحت دارند)، شبکه معابر ارگانیک، درصد بالای مالکیت تصرفی بناها (تنها ۲۰ درصد ابنیه بصورت مالکیت عرصه و اعیان تملک شده‌اند)، نرخ بالای

اجاره نشینی (۶۰ درصد)، قیمت پایین اراضی، جوانی جمعیت، نرخ بالای بیسوادی (۲۳ درصد)، کیفیت پایین ساخت و ساز و ... دانست.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق:

در این بخش با توجه به ابعاد و شاخص‌های بیان شده به بررسی و تحلیل مهم‌ترین شاخص‌های فقر شهری در نسیم شهر پرداخته شده است. پس از معرفی شاخص‌های مورد بررسی در هر بعد، نمره دهی شاخص‌ها و همچنین پهنه بندی فقر شهری در هر شاخص ارائه شده است. این شاخص‌ها در سه دسته شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی طبقه‌بندی و بررسی شده‌اند.

شاخص‌های اقتصادی: در این بخش و به منظور تعیین گستره‌های فقر شهری در شاخص اقتصادی، مؤلفه‌هایی همچون؛ میزان درآمد، مالکیت (زمین، مسکن، وسیله نقلیه)، نرخ بیکاری، اجاره‌نشینی، ارزش مستغلات و میزان تکفل در نسیم شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

مالکیت: کمتر از ۲۰ درصد ساکنان نسیم شهر از تملک رسمی عرصه و اعیان واحد مسکونی خود برخوردارند. در حالی که این میزان در متوسط کشوری بیش از ۵۶ درصد است. در این شهر مالکیت اعیان به طرز معناداری از متوسط کشوری بیشتر است و بخش قابل ملاحظه‌ای از شهر فاقد سند رسمی مالکیت هستند. این پدیده در بخش اعظم بافت قدیمی شهری، بخشی از حصارک پایین، بخشی از کلمه (شهرک فجر) و بخش‌های شمالی شهر (احمدآباد و وجه‌آباد) شدت بیشتری دارد.

اجاره نشینی: در نسیم شهر برخلاف سکونتگاه‌های فقیر و غیررسمی نرخ اجاره‌نشینی حتی از متوسط کشوری نیز بالاتر است. شاید یکی از دلایل این امر، ارتقای توان مالی برخی ساکنین و مهاجرت آن‌ها به مقصد بعدی (احتمالاً تهران) است که به آن‌ها امکان اجاره واحدهای مسکونی‌شان به مهاجران تازه وارد را داده است. اطلاعات نشان می‌دهد، بخش از اسماعیل‌آباد، سعید آباد، حصارک پایین و ضلع غربی بلوار پایانه مناطقی هستند که نرخ اجاره‌نشینی بالاتری دارند؛ یعنی بیش از ۶۰ درصد ساکنان واحدهای مسکونی موجود، اجاره نشین هستند. سایر مناطق شهر از جمله هسته قدیمی شهر (که با نام نسیم شهر شناخته می‌شود) وجه‌آباد و احمدآباد، نرخ اجاره‌نشینی پایینی دارند (۰ تا ۳۰ درصد).

مالکیت اتومبیل شخصی و موتور سیکلت: با توجه به اینکه محل اشتغال درصد بالایی از ساکنان شهر خارج از نسیم شهر است، به نظر می‌رسد داشتن اتومبیل شخصی منطقی و به صرفه است. در نتیجه در شرایط عادی نرخ مالکیت اتومبیل باید بالا باشد. مالکیت اتومبیل در سعیدآباد، بخشی از احمدآباد و بخشی از اسماعیل‌آباد، بالاتر از متوسط شهر است به این معنا که ۵۰ درصد و بیشتر خانوارهای ساکن دارای یک اتومبیل شخصی هستند. برخلاف مالکیت خودرو، مالکیت موتورسیکلت، بسیار بالا است. درصد بالای مالکیت موتور از یک سو نشان‌دهنده شکل معیاری است که استفاده از اتومبیل را دشوار می‌کند و از سوی دیگر نشان‌دهنده پایین بودن درآمد و سبک زندگی متأثر از فقر است. اطلاعات میدانی بیانگر آن بود که بخش‌هایی از احمدآباد و وجه‌آباد و اسماعیل‌آباد دارای بیشترین نرخ مالکیت موتور هستند.

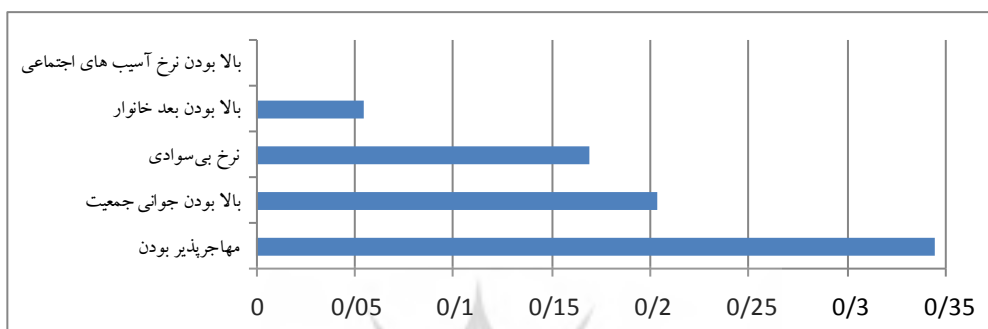
قیمت زمین: یکی از نشانه‌های مکانی فقر شهری، نازل بودن قیمت زمین و مسکن است، به نحوی که با متوسط شهر فاصله معناداری داشته باشد. پایین‌ترین قیمت مسکن مربوط به خیرآباد پایین است که هر متر واحد مسکونی حدود ۱۰۰ هزار تومان معامله می‌شود.

نرخ بیکاری: افراد فقیر به دلیل پایین بودن مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار، در شرایط رکود اقتصادی سخت‌تر از دیگران کار پیدا می‌کنند. نرخ بیکاری در نواحی مرکزی شهر نسبت به سایر مناطق بالاتر است. علاوه بر آن، وجه‌آباد، احمدآباد، حصارک پایین و کلمه نیز نرخ بیکاری آنها از متوسط شهر بالاتر است.

بار تکفل: بالا بودن بار تکفل با شاخص بیکاری و بعد خانوار همبسته است و فقر را تشدید می‌کند. در مناطق هسته‌ای شهر بار تکفل نسبتاً بالاتر است. همچنین بخشی از احمدآباد نیز واجد این خصوصیت است.

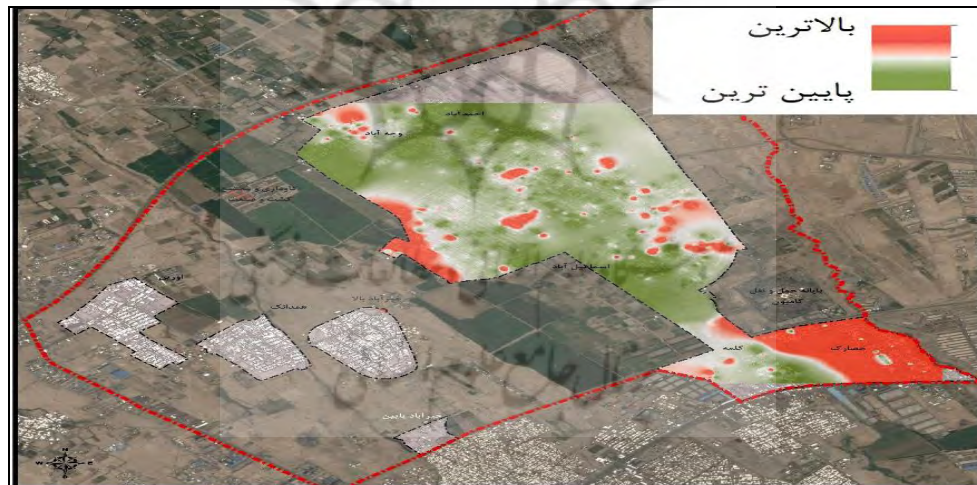
مهاجرت و جوانی جمعیت: گرچه بخش اعظم شهر را از بدو پیدایش مهاجران تشکیل داده‌اند، مهاجران جدید بخش‌های خاصی از شهر و بخصوص سعیدآباد و حصارک پایین را برای اسکان برمی‌گزینند. بازدید میدانی نشان می‌دهد در روستاها نیز تعداد زیادی مهاجر سکنی گزیده‌اند. در این مناطق بیش از ۶۵ درصد جمعیت کمتر از ۳۰ سال سن دارند.

بعد خانوار و نسبت جنسی: مطالعات نشان می‌دهد در هسته قدیمی شهر، بعد خانوار نسبت به سایر نقاط شهر بالاتر است. نسبت جنسی بالا نشان دهنده نرخ بالای مهاجران در جستجوی کار است که غالباً بدون خانواده به شهر مهاجر می‌کنند. در نسیم شهر، نسبت جنسی به نسبت استان تهران بالا است (۱۰۵ در مقابل ۱۰۲). با استفاده از نظرسنجی از متخصصین، شاخص‌های مورد بررسی نمره دهی و نتایج نظرات، در نرم افزار *Expert choice* وارد و درصد اهمیت هر شاخص تعیین گردید. (نمودار ۲).



نمودار ۲- نمودار میله‌ای شاخص‌های اجتماعی شناسایی گستره فقر

طبق فرآیندی که در خصوص بعد اقتصادی بیان گردید، پهنه فقر شهری در نسیم شهر در بعد اجتماعی به همان روش تهیه و در شکل شماره ۳ ارائه شده است.



شکل ۳- نقشه پهنه بندی فقر شهری در نسیم شهر در بعد اجتماعی

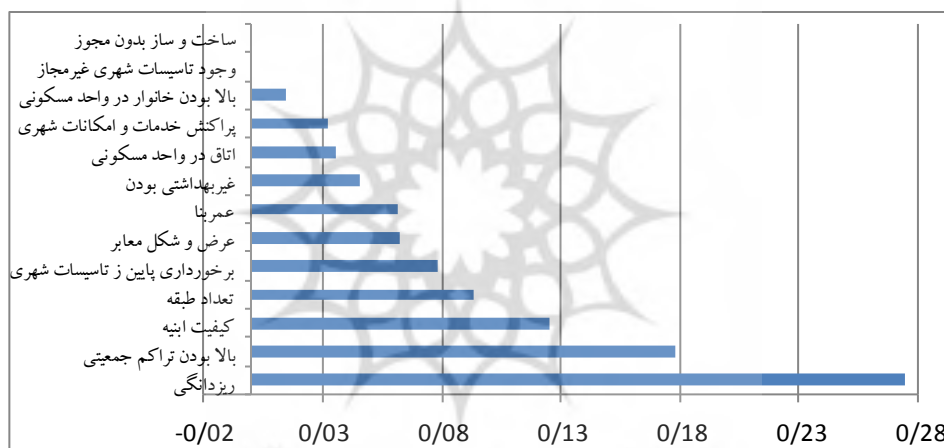
شاخص‌های کالبدی: بررسی شاخص‌های کالبدی بخصوص برای شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی که آنهم متأثر از فقر شهری می‌باشد، مناسب است. در این پژوهش، کیفیت آبینه، طبقات ساختمان، ریزدانی، برخورداری از تاسیسات شهری، بعد خانوار و جمعیت در واحد مسکونی و تعدد اتاق‌های مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پراکنش ساختمان‌های یک طبقه: در بخش‌هایی از شهر تعداد واحدهای مسکونی یک طبقه بسیار به چشم می‌خورد. دلیل آن کم بودن قیمت زمین و نازل بودن کیفیت مصالح و اسکلت بنا است. به علاوه از آنجا که بیشتر بناها توسط خود ساکنین و

یا سازندگان محلی ساخته می‌شود، تکنولوژی ساخت بناهای چندطبقه وجود ندارد. هر چند در سال‌های اخیر نسیم شهر چهره جدیدی به خود گرفته و کثرت آپارتمان‌های چندطبقه، بدون رعایت اصول معماری و بدون نما جلب توجه می‌کند.

کیفیت ابنیه و عمر بنا: در مناطق فقیرنشین ساکنان توان مالی مناسب برای بازسازی واحدهای مسکونی خود را ندارند. این وضعیت در شرایطی که مالکیت رسمی واحد مسکونی وجود نداشته باشد، تشدید می‌شود. شاخص عمر بنا برای شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی چندان کاربردی ندارد ولی می‌توان یافته‌های تحلیل این شاخص را با برداشت میدانی تطبیق داد. مقایسه شاخص کیفیت ابنیه با شاخص عمر بنا نتایج جالبی خواهد داشت.

بعد خانوار و تراکم جمعیتی: سکونت چند خانوار در یک واحد مسکونی در میان خانوارهای مهاجر و کم‌درآمد معمول است. در اغلب مناطق نسیم شهر شاهد سکونت یک خانوار در واحد مسکونی هستیم و تنها در بخش‌های کوچکی از حصارک پایین، سعید آباد و احمدآباد این شاخص بالاتر است. همچنین در مناطق فقیرنشین به دلیل پیش گفته تراکم جمعیتی معمولاً بالا می‌رود. متراکم‌ترین مناطق شهری نسیم شهر هسته قدیمی شهر، حصارک پایین و بخش‌هایی از احمدآباد و سعیدآباد هستند. ریزدانی: بناهای موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی غالباً ریزدانه هستند. درصد واحدهای مسکونی زیر ۵۰ متر در نسیم حدود ۳۰ درصد است. متوسط زیربنای مسکونی در این شهر کمی بیش از ۷۰ متر مربع است، درحالی‌که در استان تهران این میزان ۸۵٫۴ مترمربع است. با استفاده از نظرسنجی از متخصصین، شاخص‌های مورد بررسی نمره دهی و نتایج نظرات، در نرم-افزار *Expert choice* وارد و درصد اهمیت هر شاخص تعیین گردید. (نمودار ۳).



نمودار ۳- نمودار میله‌ای شاخص‌های کالبدی شناسایی گستره فقر

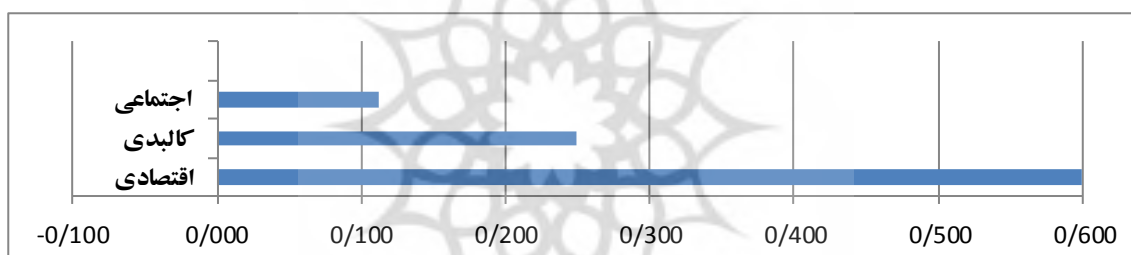
بر اساس این نمرات، پهنه بندی فقر شهری در بعد کالبدی نیز به همان روش که در بالا توضیح داده شد، تهیه گردید که در شکل شماره ۴ زیر ارائه شده است.



نقشه ۴- پهنه بندی فقر شهری در نسیم شهر در بعد کالبدی

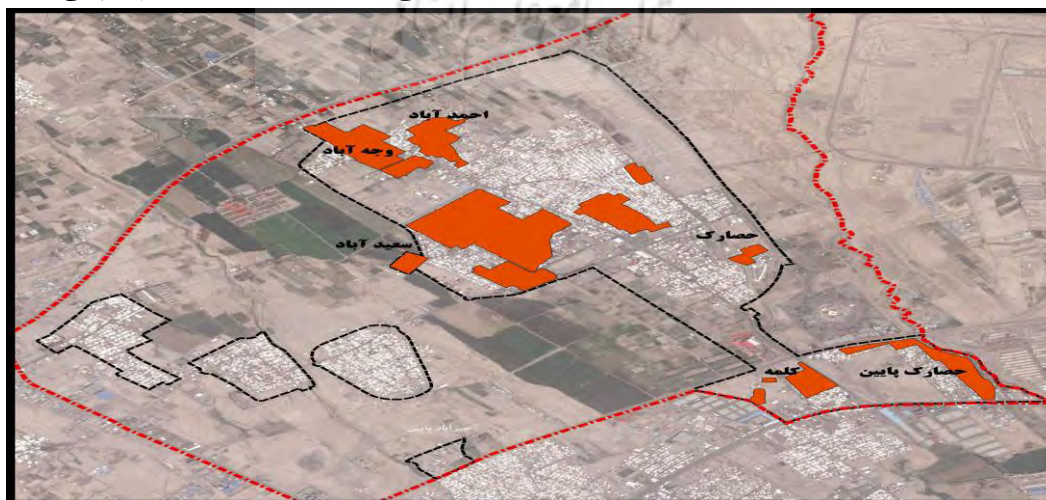
نتیجه‌گیری:

عدم تعادل فضایی در بین محلات نسیم شهر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سبب بهم خوردن نظم فضایی و رشد شتابان برخی از قسمت‌های شهر و انزوا و حاشینه‌ای شدن بسیاری از مناطق دیگر شهر شده است. این موضوع به فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی دامن زده است. وجود تعادل و هماهنگی بین نواحی مختلف در برخورداری از مواهب توسعه، امری ضروری است که در صورت عدم رعایت آن، سرمایه‌گذاری انجام شده نه تنها باعث توسعه نخواهد شد، بلکه نابرابریهای موجود را عمیق‌تر نموده و باعث رشد غده‌ای و ناهماهنگ با توانها و ظرفیت‌های محیطی می‌گردد. در این مطالعه به منظور تعیین پهنه‌های فقیر و محروم شهری محدوده شهر نسیم شهر بررسی و بر اساس معیارهای ۳ گانه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از انتخاب معیارها که مرحله اول به کارگیری این تکنیک است، ماتریس شاخص‌ها تشکیل و وزن هر یک از شاخص‌ها مشخص شد. به این ترتیب ابتدا امتیاز ۳ معیار اصلی نسبت به یکدیگر تعیین است. امتیازدهی بر اساس تکنیک *Delphi* و با توجه به خصوصیات منحصر به فرد شهر به علاوه دانش عام در زمینه فقر شهری صورت گرفته است. بدین ترتیب درخت حل سلسله‌مراتبی تشکیل و زیرمعیارها رتبه‌بندی شده‌اند. خروجی این مرحله از مطالعات به دست آمدن ۳ نقشه مجزا از ترکیب زیرمعیارهای هر یک از ۳ معیار اصلی مطالعات است. با توجه به هر یک از معیارها، پهنه‌های شهر در طیفی از برخوردار تا محروم طبقه‌بندی شدند. در قسمت نهایی و به منظور دست‌یابی به نقشه‌ای جامع و برآیند تمام معیارها، اقدام به رتبه‌بندی معیارها از طریق تکنیک دلفی شده است. بدین منظور با استفاده از تکنیک دلفی اقدام به نمره‌دهی معیارها با توجه به شرایط زمینه‌ای نسیم شهر شده است. نتایج این نمره‌دهی در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۴- نمودار میله‌ای امتیاز نهایی عوامل اصلی

همانطور که در نمودار بالا مشخص است، عوامل اقتصادی از بیشترین وزن به منظور تعیین پهنه‌های فقر شهری تشخیص داده شده است. بدین ترتیب در بسته نرم‌افزاری *GIS* اقدام به اعمال ضرایب به دست آمده در نمودار بالا شده است. خروجی این تحلیل در شکل ۵ نشان داده شده است. در تصویر هر چه رنگ قرمزتر می‌شود، میزان فقر بیشتر به چشم می‌خورد.



شکل ۵- نقشه پهنه‌بندی نهایی فقر شهری در نسیم شهر

همانگونه که در تصویر بالا مشخص است، محدوده‌های حصارک پایین، احمدآباد، محدوده جنوبی احمدآباد و کلمه به لحاظ شاخص‌های مختلف از جمله محدوده‌های آسیب پذیر نسیم شهر هستند. نکته قابل توجه در این بررسی‌ها، همپوشانی بالای ۸۰ درصدی محدوده‌های به دست آمده در این تحلیل، با محدوده بافت فرسوده مصوب در نسیم شهر است. این موضوع نشان از پیوند مفاهیم فقر شهری، عدالت فضایی و شاخص‌های فرسودگی با یکدیگر در این سکونتگاه شهری دارد.

References:

1. Arjomandniya, Asghar (2002). *The role of the Middle cities in Population settlement system, Journal Political and economic information* , N 29 (in Persian)
2. Athari, Kamal (2008). *Justice in space. Journal Haft shar. N 9& 10. PP 25-32 (in Persian).*
3. Bemaniyan, Mohammad & el (2010). *Assessment Economic features for identification the extent of poverty in using techniques Delpi & AHP. Case study: Kashmar. Urban Management. Spring and summer. P 9. Pp153- 166 (in Persian)*
4. Dadashpoor, Hashem, Bahram Alizadeh and Faramarz Rostami (2014). *Spatial Justice and City, Safire- Andisheh Publishing, Tehran. (in Persian)*
5. Dufaux, Frederic. 2008. *Birth announcement, justice spatial/spatial justice, www.jssj.org.*
6. Farmitan (2015) *planning for informal settlements in nasim shahr city ,Tehran (in Persian)*
7. Harvey, D. (1997), *Social Justice and the City, Farah Hesamyan and Others, Tehran Municipality, Tehran. (in Persian)*
8. Harvey, D.)1969(. *Explanation in Geography, London: Edward Arnold, pp.3-8.*
9. Harvey, David (1973). *Social justice and the city. Edward Arnold, London*
10. Hatami, mojtaba & mahdi momeni (2008), *Aanlysis of social inequality in prosperity of urban services land uses, Journal of Human Geography Research, No 65, and Tehran (in Persian)*
11. Hataminajad, H. (2008), *Aanlysis of social inequality in prosperity of urban services land uses, Journal of Human Geography Research, No 65, and Tehran. (in Persian)*
12. <http://www.europa.eu.int/comm/world/enp/policy-en>.
13. Khakpoor, Beratali & A. Abdollahi,(2008) "*Spatial Justice in urban dual spaces Geopolitical Explanation of Patterns of Disequilibrium in Slum Settlements of Mashhad*", *Geopolitics, No. 2, (in Persian)*
14. Khakpour, B. (2009), *Examining and analyzing the inequality in levels of development zones in Mashhad, Knowledge & Development, Vol 16, No 27, (in Persian)*
15. Liao, Chin-hsien, chang Hsueh-Sheng, ko-wan Tsou, 2009, *Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development, real corp, (http://www.corp.at).*
16. Martinez, J. 200۹. *Monitors intra-urban inequalities with GIS-based indicators: With a case study in Rosario, Argentina. Utrecht University.*
17. Moradnejad, Homayoon & Abolghasem sharifzadeh (2009). *Sustainable development and rural tourism. Jahad. N250- 251. P57*
18. Pietro, G., Elliott, D., and Gabriell, Y. (2005). *A Home in the City, UN Millennium Project, Task Force on Improving the Lives of Slum Dwellers, London.*
19. Prang, Julia., 2009, *Spatial justice: Anew Frontier in Planing For just, Sustainable Commuities, Tuftsunivrsity*
20. Shakoei, H. (2004). *New perspectives in urban geography. Tehran: samt. (in Persian)*
21. Soja, Edward, 2010, *Seeking Spatial jactics. Globalization and community, USA.Unverstity of minnsota press*
22. Soja, Edward., 2006, *The City and Spatail Jastice, justice Spatial/spatial justice, www.jssj.org*
23. Taghvaei, M; Sarvari, Z. (2003), *Effect Of Liberalism On Urban Spaces, Etalaat-e Siasi- Eghtesadi Journal, (163-156 ,) 217-218 . (in Persian)*
24. Williams, K., berges. N, 1999, *Urban Intensification Policies in England: Problems and Contradiction, Land Use Policy, Vol. 16, No.3, PP. 167-178.*
25. Yeftchel G., and Norman P. 20۰۷. *Longitudinal environmental justice analysis: Co-evolution of environmental quality and deprivation in England, 1960–200۷, Geoforum, 43:44-57.*
26. Young, Irish Marion (2001). *Justice and the politics of difference, Princeton University Press, Princeton.*